

درباچه‌ای که قربانی سیاست شد

اندوه شور درباچه ارومیه



پزشکیان در سی و نهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی:

مردم ایران مقابل ظلم

ستم و تجاوز سرخم

نخواهند کرد

صفحه ۶



صفحه ۶

اسنپ‌ک و آینده بازار آن در ایران چگونه است؟

خودرو

دربرخ

سیاست

صفحه ۸



تغییرات مهم در راه است؟

بحران سیاسی

فرانسه و آینده مبهم

امانوئل مکرון

صفحه ۱۱



شرح در صفحه ۱۱

گروسی و بقایی از روند مثبت دیپلماسی گفتند

روزنه‌های امید در

گفت‌وگوهای ایران و آژانس

گروه سیاست خارجی – بقائی گفت: هنوز به جمع‌بندی نرسیدیم ولی روند گفت‌وگوها مثبت بوده و ملاحظات مربوط به امنیت و ایمنی تأسیسات هسته‌ای ایران، ملاحظات شورای امنیت ملی و مصوبه مجلس مدنظر مذاکره کنندگان ما بودند و منتظریم آخرین گفت‌وگوها انجام شود و متن نهایی مورد توافق ایران و آژانس که در برگیرنده شیوه تعامل ایران و آژانس در شرایط جدید است، نهایی شود.

سختگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سوّالی درباره گزارش جدید مدیرکل آژانس و نگهداری اورانیوم غنی‌شده و ... آخرین وضعیت مذاکرات ایران و آژانس عنوان کرد: گزارش آژانس را بررسی کردیم و مواضع خود را در قالب یک یادداشت به آژانس و کشورهای عضو شورای حکام منعکس خواهیم کرد. وی افزود: انتظار داشتیم گزارش منصفانه‌ای با در نظر گرفتن واقعیات میدانی ارائه شود. واقعیت میدانی چیزی نیست جز حمله غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای صلح آمیز ایران. این اقدام غیرقانونی آنقدر شنیع بود که آژانس باید آن را محکوم می‌کرد. بقائی گفت: دوره زمانی گزارش به قبل از تهاجم به تأسیسات هسته‌ای ایران بر می‌گردد. برداشت ما این است که آژانس به این درک رسیده شیوه و نحوه اجرای تعهدات پادمانی ایران نمی‌تواند قبل از این هجمه باشد. بقائی اضافه کرد: هیأت نمایندگی ایران متشکل از مدیر کل صلح و امنیت وزارت امور خارجه به همراه نماینده سازمان انرژی اتمی در دور سوم مذاکرات با آژانس جمعه و شنبه شرکت کردند. هنوز به جمع‌بندی نرسیدیم ولی روند گفت‌وگوها مثبت بوده و ملاحظات مربوط به امنیت و ایمنی تأسیسات هسته‌ای ایران، ملاحظات شورای امنیت ملی و مصوبه مجلس مدنظر مذاکره کنندگان ما بودند و منتظریم آخرین گفت‌وگوها انجام شود و متن نهایی مورد توافق ایران و آژانس که در برگیرنده شیوه تعامل ایران و آژانس در شرایط جدید است، نهایی شود.

شرح در صفحه ۱۱

فشارها کارساز شد

برکناری نادره رضایی

صفحه ۶



امید محسنی

سرمقاله



پل‌های نامنظم بر پرونده هسته‌ای ایران

آخرین مواضع مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دستگاه دیپلماسی ایران نشان‌های از ورود پرونده هسته‌ای به مرحله‌ای تازه است. گروسی در آستانه نشست شورای حکام، بر چند محور اساسی تأکید کرده است: عادی‌سازی روابط تهران و آژانس، نظارت بر تأسیسات آسیب‌دیده در جنگ اخیر و پایبندی ایران به الزامات عضویت در ان پی تی. این گزاره‌ها در ظاهر بازتابی از خواست‌های فنی آژانس است، اما در متن معادله سیاسی به معنای تعریف چارچوبی تازه برای پیوند دادن تعهدات ایران با مسیر آینده مذاکرات تلقی می‌شود. دستگاه دیپلماسی ایران در روزهای اخیر با لحنی محتاط اما امیدوارکننده از نزدیک شدن دیدگاه‌های تهران و آژانس سخن گفته است. این همگرایی هرچند ابتدایی، پیام دارد؛ ایران حاضر است در میدان فنی همکاری کند به شرط آنکه این مسیر با فشارهای سیاسی اروپا و آمریکا گره نخورد. با این حال نشانه‌های تقسیم کار میان گروسی و تروئیکا اروپایی حکایت از آن دارد که غرب همزمان دو مسیر را پیگیری می‌کند. مسیر نخست فنی و مبتنی بر بازرسی‌ها، مسیر دوم سیاسی و معطوف به مکانیسم ماشه و تحریم‌های تازه. این جداسازی ظاهری، در عمل به یک فشار ترکیبی بدل می‌شود که ایران را در نقطه انتخاب‌های سخت قرار می‌دهد. خبرهای تأیید نشده درباره شروط اولیه اروپا سه موضوع محوری را برجسته کرده است: تداوم گفت‌وگو با آمریکا، شفاف‌سازی درباره اورانیوم غنی‌شده پس از حمله به تأسیسات و گسترش دامنه بازرسی‌ها، همچنین مباحث مرتبط با فعالیت‌های منطقه‌ای ایران. این سه مطالبه نشان می‌دهد غرب جنگ اخیر را فرصتی برای تغییر زمین بازی دیده و می‌کوشد مسیر دیپلماسی هسته‌ای را به خط‌وطی تازه هدایت کند.

ادامه در صفحه ۶

خبر

همایون شجریان و کنسرتی که هرگز نبود؛ در تمام ماجرا موسیقی غایب بود

کنسرت خیابانی همایون شجریان در میدان آزادی لغو شد اما سوال اصلی این است که موسیقی کجا رفت؟ هیاهو و سیاست جای آواز را گرفت و اصل ماجرا گم شد.

به گزارش برنا؛ لغو کنسرت خیابانی همایون شجریان در میدان آزادی این روزها به یکی از بحث‌های اصلی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بدل شده است، اما مسئله نه دولت است و نه شهرداری، نه میدان آزادی و نه سیاست‌بازی‌های همیشگی. اصل ماجرا این است که همان ابتدا محال بود. شجریان در نشست خبری بانک صادرات و صفحه اینستاگرام خود از «آرزوی دیرینه» سخن گفت، چند روز بعد ویدیویی منتشر کرد و وعده داد در میدان آزادی برای همه مردم بخواند، اما سرانجام خودش اعتراف کرد که این تنها یک «آرزوی محال» بوده است. فاصله میان این دو عبارت پُر شد از دعوای سیاسی، شعارها و هیاهو. بی‌آنکه کسی به اصل ماجرا فکر کند. موسیقی کجای این قصه ایستاده است؟

میدان آزادی؛ صحنه‌ای برای نمایش نه موسیقی

میدان آزادی در بهترین حالت می‌تواند محل یک پرفورمنس جمعی یا جشن خیابانی باشد. جایی برای حرکت و هیجان نه برای شنیدن. معماری باز، تردد خودروها، نزدیکی به فرودگاه و شلوغی دائمی اجازه نمی‌دهد سکوتی شکل بگیرد تا آواز شنیده شود. موسیقی ایرانی به‌ویژه آواز دستگاهی بر ظرفت‌ها و مکت‌ها استوار است، اگر سکوت نباشد، اگر گوش‌ها مجال دقت نداشته باشند، موسیقی فرو می‌ریزد. این همان چیزی است که در هیاهوی میدان آزادی امکان‌پذیر نیست.

مخاطبی که دیگر گوش ندارد...

واقعیت دیگر این است که شنونده امروز کمتر حوصله شنیدن آوازهای طولانی و قطعات دقیق را دارد. مصرف فرهنگی در فضای مجازی شکل «فست‌فودی» به خود گرفته است. همه‌چیز باید سریع، پرهیجان و قابل اشتراک باشد. در چنین شرایطی گردهمایی میدان آزادی حتی اگر برگزار می‌شد بیش از آنکه تجربه‌ای موسیقایی باشد، به هیجانی لحظه‌ای شباهت داشت. مردم برای دیدن همایون می‌آمدند، برای عکس گرفتن، برای تجربه یک اتفاق، نه برای شنیدن با دقت یک فرد یا تحریر.

تناقض میان رویا و واقعیت

شجریان از یک طرف با زبانی شاعرانه از رویای سال‌ها گفته بود و از طرف دیگر در برابر مواضع ناچار شد بگوید این رویا محال است، اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، حتی بدون دخالت شهرداری یا وزارت کشور این محال بودن در ذات ماجرا وجود داشت. فضایی مثل میدان آزادی اساساً برای موسیقی ساخته نشده است. همان‌طور که لباس غواصی زیباست اما تنها در آب معنا پیدا می‌کند، موسیقی ایرانی نیز تنها در فضایی معنا دارد که برای شنیدن طراحی شده باشد.

جدل‌های سیاسی بر موسیقی سایه انداخت

با این‌همه، رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی اجازه ندادند بحث اصلی به چشم بیاید. دولت چهاردهم می‌خواست کنسرت را نماد نشاط اجتماعی بداند. مخالفان تندرو آن را با واژه‌هایی خاص توصیف کردند. خارج نشینان معاند کشور، از آن به‌عنوان «رفتند حکومت» یاد کردند. هر گروهی روایت خود را ساخت و بر طبل خود کوبید اما هیچ‌کدام به این فکر نکردند که در میدان آزادی اساساً شنیدن موسیقی ممکن نیست. موسیقی، بهانه‌ای شد برای جنگ قدرت و جدال‌های جناحی.

پرفورمنس یا آواز؟

اگر همایون شجریان در میدان آزادی می‌خواند آنچه رخ می‌داد بیشتر یک پرفورمنس بود و نمایشی بزرگ، شاید باشکوه و پرشور اما به معنای دقیق موسیقی نبود. پرفورمنس به هیجان جمعی، به تصویر و نمایش متکی است. موسیقی به گوش، به ظرفیت، به سکوت نیاز دارد. این دو را نباید یکی گرفت. اما در ماجرای اخیر همه‌چیز در هم آمیخت. آرزوی یک خواننده، نیاز دولت به نمایش، عطش مردم برای هیجان و مقاومت نهادهای رسمی. حاصلش چیزی جز یک رویای محال نبود.

در تمام ماجرا موسیقی غایب بود

چشم بستن بر این حقیقت آسان نیست. در تمام این ماجرا موسیقی غایب بود. از آغاز تا پایان، هیچ‌کس از کیفیت صدا، از چیدمان نوازندگان، از دشواری انتقال سازها، از پرکندگی صوت در فضای باز و از ضرورت شنیدن دقیق حرفی نزد. حتی خود شجریان هم بیشتر از «آرزو» و «مردم» گفت تا از موسیقی. گویی صدا و آواز قرار بود در ازدحام جمعیت حل شود. در چنین شرایطی، آیا می‌توان گفت که اصلاً کنسرتی در کار بود؟

می‌توان به توافقی به خوبی برجام امیدوار بود؟

توافق مرحله‌ای؛ راه نجات از بند اسنپ‌ک



توافق جامع هسته‌ای چندجانبه با ماهیتی کم‌وبیش برد-برد- را داشته باشیم.

این موضوع چند دلیل دارد. بخشی از آن را اشاره کردم و بخش دیگر به این برمی‌گردد که اساساً شکل‌گیری اجماعی که در زمان برجام در گروه ۵+۱ یا حتی میان اعضای دائم شورای امنیت وجود داشت، امروز تقریباً غیرممکن است. شکاف‌های عمیق میان ایالات متحده و روسیه و چین از یک‌سو، میان روسیه و کشورهای اروپایی از سوی دیگر، و حتی میان آمریکا و اروپا، عملاً امکان توافقی جامع شبیه برجام را از بین برده است.

این مسئله نه فقط از نظر شکلی بلکه از نظر محتوایی نیز صادق است. همان‌طور که گفتیم، فضای منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر کرده و خواسته‌های طرفین، به‌ویژه اعضای اولیه برجام، نسبت به ده سال پیش متفاوت شده است. در گذشته، ردغذه اصلی کشورهای اروپایی صرفاً مسئله عدم اشاعه هسته‌ای بود؛ اما امروز روابط ایران با روسیه و سیاست‌های منطقه‌ای ایران برای اروپا حتی مهم‌تر از موضوع هسته‌ای است. همه این عوامل سبب می‌شود دستیابی به توافقی جامع در شرایط کنونی تقریباً دور از دسترس باشد.

با این حال، یک توافق موقت می‌تواند به‌عنوان سکویی برای مجموعه‌ای از توافقات یا تفاهات عمل کند که دست‌کم کلیت فضا را به سمت ثبات هدایت کند. بنابراین اگر هدف دستیابی به یک توافق واقعی باشد، در خوش‌بینانه‌ترین حالت باید انتظار و آمادگی داشته باشیم که دو مسیر دیپلماتیک موازی شکل بگیرد: از یک‌سو، گفت‌وگوهای دوجانبه با ایالات متحده برای دستیابی به جنبه‌های محتوایی توافق از جمله رفع تحریم‌ها؛ و از سوی دیگر، تعامل با اروپا برای مدیریت فضای تنش و جلوگیری از فعال‌شدن اسنپ‌ک.

این نکته را هم باید در نظر داشت که یکی از خواسته‌های اصلی اروپایی‌ها، همان‌طور که خودشان نیز تصریح کرده‌اند، آغاز مذاکرات ایران و آمریکا است و طبیعتاً این موضوع باید مورد توجه قرار گیرد. در عین حال، یک چالش مهم وجود دارد: برخلاف گذشته، ایالات متحده صرفاً موضوع هسته‌ای را کافی نمی‌داند. به‌ویژه پس از جنگ و در شرایطی که غنی‌سازی در ایران عملاً متوقف شده است، حتی پیشنهاد تعلیق غنی‌سازی-که البته سیاست‌گذار ایرانی بارها تأکید

کرده نمی‌پذیرد-نیز دیگر امتیاز جذابی برای طرف آمریکایی محسوب نمی‌شود.

بنابراین، ایران باید آمادگی داشته باشد که در طیفی از مسائل، نه فقط موضوع هسته‌ای، با طرف آمریکایی گفت‌وگو کند. البته گفت‌وگو لزوماً به معنای تسلیم یا واگذاری همه کارت‌ها نیست؛ بلکه هدف از آن بررسی مسیرهای دستیابی به توافقی مورد پذیرش طرفین است. ممکن است طرفین در میانه مسیر به این نتیجه برسند که توافقی حاصل نمی‌شود، اما در هر حال، یک توافق موقت یا مرحله نخستین باید بستری را برای این گفت‌وگوها فراهم کند؛ در غیر این صورت، کارکرد چندانی نخواهد داشت.

*** از نظر شما، یک توافق موقت احتمالی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ طرفین توافق در چه مواردی باید از خود انعطاف نشان دهند؟

به‌طور طبیعی، ایران باید انعطاف‌هایی از خود نشان دهد و طرف مقابل نیز همین‌طور. این مسئله‌ای است که در یادداشتی که اخیراً برای اندیشکده «شبکه رهبری اروپا» نوشته‌م مطرح کرده‌ام. طرف اروپایی باید در نظر داشته باشد که اصرار بر تحقق تمام خواسته‌هایش در مرحله نخست، از هم در شرایطی که ایران در فضای بساجنگ قرار دارد-فضایی که به‌طور طبیعی باعث می‌شود سیاست‌گذار ایرانی احتیاط بیشتری نسبت به گذشته داشته باشد-چندان واقع‌بینانه نیست.

علاوه بر این، سیاست‌گذار ایرانی به‌خوبی می‌داند که ابزارهای واقعی، به‌ویژه در زمینه رفع تحریم‌ها و همچنین تضمین‌های امنیتی، در اختیار واشنگتن است نه بروکسل. بنابراین، درخواست از ایران برای بازگشت کامل و تمام‌عیار به تعهدات برجامی یا حتی تعهدات روتین ان‌پی‌تی-که اساساً برای شرایط عادی و زمان صلح طراحی شده‌اند-در این مقطع واقع‌بینانه نخواهد بود.

پیشنهادی که مطرح کردم یک رویکرد مرحله‌ای است. این رویکرد مبتنی بر توافق بر سر یک نقشه راه است که بر اساس آن ایران باید به‌صورت مرحله‌ای سطح شفافیت خود با آژانس را افزایش دهد و دسترسی‌های لازم را فراهم کند. طرف اروپایی نیز باید در همکاری با سایر اعضای شورای امنیت، از جمله روسیه و چین، مهلت اسنپ‌ک را برای مدت مشخصی (مثلاً شش ماه) تمدید کند.

بر اساس این طرح، موضوعات چالش‌برانگیزی همچون غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم نیز به آخرین مرحله موکول می‌شود؛ یعنی به‌عنوان آخرین امتیازی که ایران در ازای برطرف شدن کامل مسئله اسنپ‌ک خواهد داد.

همزمان، در دل این طرح، ایران و ایالات متحده باید گفت‌وگوهای مستقیم خود را آغاز کنند؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، موضوع تحریم‌ها و تضمین‌های امنیتی در نهایت در اختیار واشنگتن است. البته این تنها یک شمای کلی است و طبیعی است که جزئیات می‌تواند بسیار چالش‌برانگیز باشد. بااین‌حال، شخماً راه دیگری جز این نمی‌بینم؛ جز اینکه طرفین در این مرحله از تشدید تنش خودداری کنند، از خودداری برای طرف اروپایی به معنای همکاری با روسیه و چین و آمادگی برای تمدید اسنپ‌ک است، و برای ایران نیز به معنای اریز از اقداماتی چون خروج از ان‌پی‌تی یا برداشتن گام‌هایی است که نگرانی‌های طرف مقابل را بیش از پیش تشدید می‌کند.